تعبیر «خذوا ما رووا و...» و کتاب التکلیف شلمغانی

استاد: بله، می‌خواهم بگویم اگر به این صورت است، فرمایش ایشان در اینجا سر نمی‌رسد. چرا؟ یکی از گزینه‌ها برای کتاب التکلیف شلمغانی که حسین بن روح راجع به کتب او این حرف‌ها را زدند، همین فقه الرضا است. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه‌السلام چاپ شده و در نرم‌افزارها هست. یکی از علمائی که مدافع این هستند [که منسوب به حضرت نیست،] می‌گویند این کتاب همان کتاب تکلیف شلمغانی است. بحث هایش را دیده‌ایم و بیش از پنج شش روز مباحثه کردیم.

الآن فقه الرضا در دسترس است؛ فرض هم بگیری که همین کتاب شلمغانی است. قشنگ حرف جناب حسین بن روح و بالتبع حرف امام علیه‌السلام واضح می‌شود. چرا؟ چون وقتی کتاب فقه الرضا را نگاه می‌کنید واضح است که روایاتش از قسمت‌هایی که خودش می‌گوید «اعلموا» جدا است. «أروی عن العالم، روی کذا و ...» بعد می‌گوید «اعلموا رحمکم الله...». شما یک دور فقه الرضا را مرور کنید، می‌بینید تعبیر «خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا» برای شما واضح است. مشکلی ندارید. شلمغانی این جور بود.

نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم به تناسب حکم و موضوع روشن می‌شود؛ آمدند به امام علیه‌السلام ای حسین بن روح گفتند «بیوتنا من کتبه ملأ». بعد ایشان گفتند حالا باید بیوت را خالی کنید و نزد علماء بروید؟! به آن‌ها نشان بدهید؟! اگر این جور بود که دم و دستگاهی به پا می‌شد. بنابراین معلوم می‌شود همان بیوتی که این کتاب‌ها در آن‌ها پر بود، وقتی آن‌ها را می‌خواندند تمایز روایت با رأی روشن بود. و الّا اگر نیاز به تخصص داشتند که نمی‌توانستند به این صورت دستور بدهند. چون بیوت محل ابتلای عموم شیعه است. گفتند بیوت ما پر است. فرمودند در همین کتاب‌ها روایات را بگیرید و رأی را رها کنید؛ این یعنی در همین کتاب‌ها بین رأی و روایت ممتاز بوده است. شاهدش هم فقه الرضا است. هر کسی می‌خواند می‌فهمد جایی که می‌گوید «روی، اروی و. ..» با جایی که می‌گوید «اعلموا» تفاوت می‌کند.

شاگرد: کتاب حتماً به بیوت نمی خورد بلکه راوی می‌گوید خیلی عام البلوی شده است.

استاد: من نمی گویم مخاطب بیوت است، من می‌گویم محل ابتلای عموم است، حضرت هم فرمودند این کار را بکنید. اگر ممتاز نبود باید بگویند فعلاً دست نگه دارید.

شاگرد: الآن مخاطب عامه مردم می‌شوند؟

استاد: بله، این را گفتند. اگر آنطور بود حضرت باید می‌فرمودند دست نگه دارید و این‌ها را بیرون بدهید. بزرگان علماء شما ببینند و تنقیح کنند و به شما برگردانند. چرا؟ چون شما سر در نمی‌آورید. اما اینکه حضرت بلافاصله می‌فرمایند «خذوا ما رووا»، یعنی عرف آن جا بود. اگر این انس از فقه الرضا در ذهن من حاصل نشده بود، این به ذهنم نمی آمد. یعنی خود التکلیف شلمغانی به‌عنوان یک کاندید برای فقه الرضا مطرح است. اگر هم کتاب شرایع پدر شیخ صدوق باشد، آن هم

همینطور است. باز فرقی نمی‌کند. اگر فرض بگیری که کتاب فقه الرضا، همان کتاب الشرایع علی بن بابویه است، باز وقتی نگاه می‌کنید می‌بینید در این کتاب مرز بین روایت و فتوای ایشان روشن است. سائر کتب فقهی هم همینطور است. فقیه شیخ صدوق، مقنع ایشان را که می‌بینید، متوجه می‌شوید که یک جایی از آن‌ها حال فتوا دارد ولو متأخذ از روایت باشد. ولی حالش حال نظر ایشان است. ولی یک جایی هم می‌گوید «روی عن فلان».

شاگرد: این فرمایش شما دیگر فرقی بین حالت استقامت و عدم استقامت ندارد. درحالی‌که نقل کتاب الغیبه به این صورت نیست. درست است که ایشان این تعبیر را از ذیل عبارت امام از کتب بنی فضال گفته اند....

استاد: من هم همین را گفتم.

شاگرد: فکر کردم که فرمودید امام کتاب التکلیف را گفته اند.

استاد: نه. عرض کردم که...

بازبینی #3
ایجاد شده 5 آذر 2026 15:51:44 ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 14:46:53 ... .